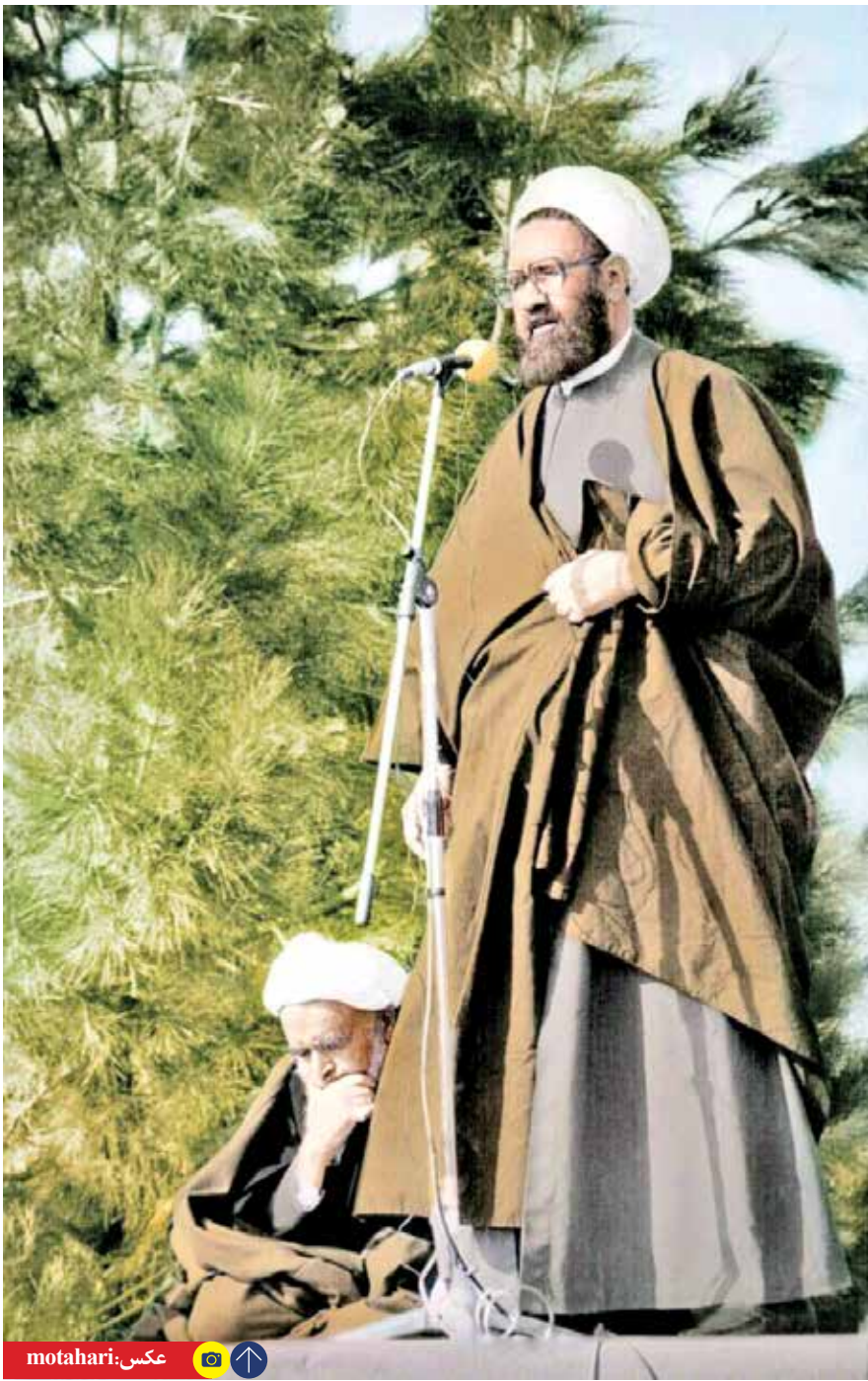




«آینده

سیاسی پس از انقلاب» به مهمترین دغدغه فکری استاد مطهری تبدیل شده بود. ایشان در آن زمان، مهمترین مسائل و چالش‌های امروز حکومت اسلامی را حدس زده بود و در راستای حل آنها نظریه‌پردازی کرده بود



عکس: motahari.com

تحلیل

دکتر داوود مهدوی‌زادگان
رئیس انتشارات سمت

«فیلسوف و فقیه انقلابی» کسی است که در راهبری مردم انقلابی پیش‌تاز باشد و روشنگری و هدایتگری کند و نگذارد قیام مردم به انحراف کشیده شود و به تصرف ناهلان و مرفهین بی‌درد درآید. او باید بتواند جلوتر از مردم پیش‌تاز باشد و فقیه انقلابی در آینده را شناسایی و پاسخ آنها را برای آیندگان تدارک ببیند. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری که امام خمینی (ره) او را حاصل عمر شریف خود معرفی کرده بود چنین فیلسوف و فقیه انقلابی بود.

با تبعید امام خمینی (ره) در سال ۴۳ نجف اشرف بیم آن می‌رفت که نهضت مردمی ۱۵ خرداد ۴۲ به فراموشی سپرده شود و اندیشه ناب «اسلام سیاسی» در همان آغاز کار پایان پذیرد. این مهمترین دلگرائی یکی از برجسته‌ترین شاگردان رهبری انقلاب اسلامی بود. به همین دلیل، مرحوم استاد مطهری بیش از پیش سرمایه اخلاقی و علمی خود را در خدمت حفظ و پایداری نهضت امام خمینی (ره)

پیش‌رو به مهمترین دغدغه فکری استاد مطهری تبدیل شده بود. ایشان در نیمه اول سال ۵۷ در سفر به قم جلساتی را بر خیز از خواص علمی پیرامون «فلسفه سیاسی» آغاز کرد. گرچه این مباحث بیش از چهار مجلس ادامه پیدا نکرد ولی محتوای آن که پس از سال‌ها بعد از انقلاب منتشر شد (رک: مطهری مرتضی، ۱۳۹۶، مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی) کاملاً نشان می‌دهد که افق نگاه استاد مطهری تا چه اندازه عمیق و آینده‌نگرانه است. ایشان در آن زمان، مهمترین مسائل و چالش‌های امروز مسائل سیاسی و اجتماعی روز جامعه بر مبنای تفکر ناب اسلامی پرداخت. اما جهت‌گیری این دغدغه انقلابی زمانی مشخص‌تر شد که با شروع قیام مجدد مردم در سال ۵۶ علامت پیروزی نهضت پربرگزگانی چون استاد مطهری آشکارتر شده بود. از این رو، ترسیم‌آینده سیاسی پس از انقلاب، نظام سیاسی و مسائل و چالش‌های

محتوم کنار آمده بودند. با وصف این، استاد شهید مطهری نگران این بود که نهضت اسلامی امام خمینی (ره) از فلسفه‌های سیاسی سکولار غربی سیراب شده به تدریج به انحراف کشیده شود. به همین دلیل، ایشان تلاش فکری زیادی را به عمل آورد تا مرزهای ایدئولوژی سیاسی اسلام و اندیشه سکولار به خوبی معلوم گردد. بطوری که این جنبه از روشنگری استاد مطهری در گفت‌وگوها و مناظرات امروز بسیار راهگشا است.

ایشان در همان زمان متوجه این مسأله شده بود که جریان سکولار هم به اهمیت مباحث فلسفه سیاسی پی برده است. به همین خاطر، همواره آرای آنان را رصد می‌کرد و به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم پاسخ می‌داد. یک نمونه آن پاسخی است که به نام مشهور دکتر مصطفی رحیمی به امام خمینی (ره) با عنوان «چرا با جمهوری اسلامی مخالفم» داده است (رک: مطهری مرتضی، ۱۳۷۷، یادداشت‌های استاد مطهری، ج اول).

به هر روی، تأملات فلسفی استاد مطهری در باب حکومت اسلامی در سال ۵۷ می‌توانست آخرین آنها نباشد و بسیاری عمیق‌تر از گذشته پرداخته شود ولی افسوس که دکماتیسمدن حضور فیلسوف سیاسی مسلمان در عصر تجدد را تاب نیاورد. غرب‌زدگان می‌توانستند به مدارا و خویش‌اندازی رفتار کرده موجبات شکل‌گیری گفت‌وگوهای علمی سازنده میان اندیشه اسلامی و سکولار را برقرار کنند تا از این رهگذر، محافل علمی و جامعه ایرانی حظ وافری را در مقام نظر و عمل ببرند. وقتی استاد مطهری در دوره استبداد و دیکتاتوری توانسته بود آثار ارزشمندی را به یادگار گذارد، بطور قطع در عصر انقلاب اسلامی آثار ارزشمندتری را خلق می‌کرد. در ادامه به چند نمونه از این آخرین تأملات استاد شهید مطهری اشاره می‌شود.

۱. ماهیت ارشادی و هدایتگری حکومت

استاد مطهری بر این باور است که ماهیت و نوع حکومت مبتنی بر «تعریف حکومت» است. تعریف معلوم می‌کند که از چه نوع حکومتی دفاع می‌کنند. ایشان بر همین اساس به چهار نوع تعریف از حکومت اشاره کرده است. تعریف چهارمی که به آن اشاره می‌کند عبارت از حکومت مظهر ارشاد و هدایت جامعه است. دولت موظف است به تعلیم و تربیت و ارشاد و هدایتگری جامعه به سوی کمال بپردازد. نکته مهم در این است که به عقیده استاد مطهری چنین وظیفه‌ای ایشان در این بحث است. زیرا تا آن زمان، به مباحث «فلسفه سیاسی» در محافل روشنگری توجه جدی نمی‌شد و اغلب آنان با حکومت سلطنتی به عنوان فلسفه سیاسی

آخرین تأملات استاد شهید مرتضی مطهری در امر حکمرانی

ولایت حاکم یا وکالت حاکم؟

حکومت وارد شده است. به عقیده ایشان دولت در ایران این‌گونه نبوده است (مطهری مرتضی، ۱۳۹۶: ۱۷). البته ایشان این معنا از حکومت را از نظر دور نداشته بلکه بر آن تأکید دارد.

۲. تفکیک «حق حاکمیت» و «شایستگی حکومت»

شهید مطهری تفکیک جالبی میان «حق حاکمیت» و «شایستگی حکومت» کرده است. اینکه چه کسی حق حاکمیت دارد با اینکه چه کسی شایسته حکومت کردن را دارد، متفاوت است. مثل اینکه در یک سازمان حق حاکمیت به هیأت امنای سازمان داده می‌شود ولی شایستگی مدیریت سازمان به فردی غیر از اعضای هیأت امنا سپرده می‌شود. به عقیده ایشان ممکن است که حق حاکمیت را از آن مردم تلقی می‌شود، باز این مسأله مطرح می‌شود که آیا مردم بهتر است چه کسانی را با چه صفاتی برای حکومت انتخاب کنند؟ (همان: ۳۰)

۳. مقومات حکومت

استاد مطهری پرسش فلسفه سیاسی از ضرورت و نیاز به حکومت را با عنوان «مقومات حکومت» طرح کرده است. چه چیزهایی جامعه را به فکر تأسیس حکومت وامی‌دارد. از نظر استاد مطهری، ضرورت‌های اولیه برای تأسیس حکومت پنج چیز است: دفاع از جامعه در برابر دشمن، حفظ امنیت داخلی، وضع قانون، قضا و دادگستری و ارتباط با واحدهای اجتماعی دیگر (امور خارجه). اما جامعه در اثر پیشرفت و تکامل علم به نیازهای جدید هم می‌رسد که دولت را مکلف به رفع

آنها می‌داند مانند نیاز به آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر، مخابرات، راه، صنایع، بهداشت و غیره. هر یک از این امور مقوم حکومت نیست ولی این امور جامعه را وادار به تأسیس حکومت می‌کند. (همان: ۴۸)

استاد مطهری در این قسمت از بحث، دیدگاه مارکسیسم را نقد کرده است. به زعم ایشان مارکسیست‌ها ضرورت اجتماعی حکومت را نفی می‌کنند. حکومت، نیاز جامعه نیست بلکه این مفهوم از تقسیم جامعه به دو طبقه استعمارگر و استثمار شده شکل گرفته است. لذا وقتی فاصله طبقاتی کنار رود، نیازی به حکومت نیست. پاسخ استاد مطهری این است که فرضاً نظام طبقاتی از جامعه رخت بریندازد لکن باز در آینده مسأله ارشاد و راهنمایی و تأمین امکانات اجتماعی جامعه را از دولت بی‌نیاز نمی‌کند. (همان: ۵۵)

۴. افتاء، امر حکومتی است

استاد مطهری در بحث حق حاکمیت الهی به مسأله ماهیت افتاء مجتهدین اشاره کرده است. به اعتقاد ایشان عمل افتاء (صدر فتوی حکم شرعی) از جمله وظایف حکومت دینی است. چون صدر حکم شرعی حق خدا و رسول و معصومین و حاکم مآذون از طرف معصوم (ع) است و هر کسی اجازه صدور فتواء را ندارد: «افتاء همین طور است؛ بیان حکم الهی است. کسی حق افتاء دارد که به او اجازه افتاء داده شده باشد، مثل پیغمبر که بیان می‌کند یا امام یا کسانی که به یک عنوان عام یا عنوان خاص از ناحیه ائمه تعیین شده‌اند که در مورد احکام از آنها سؤال شود؛ و الا کسی دیگری خود به خود نمی‌تواند مفتی شود.» (همان: ۵۸)

حکومت «ولایت کردن» است و نه وکالت

به عقیده شهید مطهری حکومت، ولایت کردن است و نه وکالت؛ چون ولایت از حق الهی حکومت انتزاع می‌شود و نه از حق مردم تا وکالت معنا دهد. بر همین اساس، ولایت فقیه وکالت نیست: «در فقه، ولایت حاکم مطرح است. این خیلی با دموکراسی فرق می‌کند. وقتی ما می‌گوییم ولایت حاکم، در واقع می‌خواهیم بگوییم حاکم شرع بر مردم ولایت دارد، لهذا به آیه «لَئِیْ اُولَی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» (الأحزاب: ۶) استدلال می‌کنیم؛ همان ولایتی که خدا بر مردم دارد و از آن ولایت، منبعت می‌شود ولایت پیغمبر بر مردم و از آن ولایت، منبعت می‌شود ولایت ائمه بر مردم؛ و بعد، از آن ولایت، منبعت می‌شود ولایت فقیه بر مردم. پس بنا بر حق الهی، حکومتی [واقعی] است از نوع ولایت»



توجه استاد

مطهری به

«دانش فلسفه

سیاسی»

نشانه

پیش‌تازی

ایشان در

این بحث

زیرا

تا آن زمان،

به مباحث

«فلسفه

سیاسی»

در محافل

روشنفکری

توجه جدی

نمی‌شد و

اغلب آنان

با حکومت

سلطنتی به

عنوان فلسفه

سیاسی

محتوم کنار

آمده بودند.

با وصف این،

استاد شهید

مطهری

نگران این بود

که نهضت

اسلامی امام

خمینی (ره)

از فلسفه‌های

سیاسی

سکولار غربی

سیراب شده

به تدریج

به انحراف

کشیده شود.

به همین

دلیل، ایشان

تلاش فکری

زیادی را به

عمل آورد

تا مرزهای

ایدئولوژی

سیاسی اسلام

و اندیشه

خوبی معلوم

گردد



نویسندگان

غافل از

این پرسش

شده‌اند

که اساساً

چطور شد

«حجاب»

در جامعه ما

مسأله شد؟

گویی مسأله

بودن آن را

پیش‌فرض

گرفته‌اند و

حال به تحلیل

و چرایی آن

نشسته‌اند



خوانندگان این کتاب به دو دسته توصیه نمی‌شود!

نویسندگان این اثر، خوانندگان آن را به دو دسته توصیه نمی‌کنند: نخست کسانی که باورشان درباره مسأله حجاب چه له چه علیه آن سفت سر جایش ایستاده و بنا ندارد از جایش تکان بخورد. دوم کسانی که هاضمه فکرشان نیز مثل هاضمه جهان مدرن فست قودی شده و به دنبال پرسش‌های بله/خیر هستند. اما اگر کمی حوصله کنید، معجزه گفت‌وگو در گشودن حقیقت را به تماشا خواهید نشست.



پرسش

بر «لزوم گفت‌وگو در جامعه» بویژه بر سر موضوعات عمیق و ذوابعادی چون حجاب تأکید گذاشته‌اند. این جمله کتاب را هم می‌توان تأییدی بر این مدعا گرفت: «جامعه سرگذشت دارد، رشد و انحطاط دارد و حتی امکان متولد شدن و مردن دارد. گفت‌وگو نشانه حیات و بسط جوامع در طول تاریخ‌شان است.»

نویسندگان این کتاب به دو دسته توصیه نمی‌کنند: نخست کسانی که باورشان درباره مسأله حجاب چه له چه علیه آن سفت سر جایش ایستاده و بنا ندارد از جایش تکان بخورد. دوم کسانی

مسأله مردم است یا حاکمیت؟ بدل به دوگانه‌ای شده است که امر حجاب را در جامعه ما با چالش مواجه کرده است. این کتاب تلاش کرد از خلال گفت‌وگوها روایت کند که «مردم» و «حاکمیت»، هر یک از حجاب چه فهمی دارند و تلاقی این دو نگاه کجاست.

از آنجا که این کتاب نشان می‌دهد مردم حجاب را چگونه می‌فهمند، می‌تواند برای سیاستگذاران و کارگزاران فرهنگی ما پژوهشی درخور تأمل باشد. هرچند که به قول یکی از منتقدان این اثر، طی ۵۰ سال اخیر با دنیایی از نظریه و متون در باب حجاب مواجه شده‌ایم که باید به ما کمک می‌کرد تا از شهید مطهری فراتر رویم. بنابراین به نظر می‌رسد ارجاع دادن تنها به آرای شهید مطهری هرچند لازم بود اما بسنده نیست. ۲. این نکته هم جالب است که بدانید نویسندگان این اثر، خوانندگان آن را به دو دسته توصیه نمی‌کنند: «نخست کسانی که باورشان درباره مسأله حجاب چه له چه علیه آن سفت سر جایش ایستاده و بنا ندارد از جایش تکان بخورد. دوم کسانی



عکس: shafaqna.com

اثر خود برگزیده‌اند توانسته‌اند نمایی از حجاب در جامعه ایران به دست دهند که با قرائت حاکم همداستان نیست و شاید یکی از نقاط قوت و جذاب کتاب هم همین باشد که خلاف کلیشه‌های حاضر ظاهر شده است. ۲. کتاب، روایت گفت‌وگو با ۱۲۰ نفر از افشار مختلف جامعه است. دانش‌آموز، دانشجو، روحانی، استاد دانشگاه، افراد باحجاب یا مخالف حجاب، سیاستگذار فرهنگی نظام و همچنین متخصصان حوزه فلسفه، حقوق و علوم تربیتی و ... طرف گفت‌وگوی نویسندگان این اثر قرار گرفته‌اند تا از نگاه‌شان در باب حجاب بگویند. شاید سخنان برخی از آنان، برایمان تازگی نداشته باشد اما نویسندگان با روش پژوهشی که برای

محمد حسین مطهری، درباره چگونگی شکل‌گیری این اثر می‌نویسد: «گفت‌وگویی حجاب» برای من بیش از هر چیز یک سفر است. سفری که سال ۱۳۹۰ آغاز شد و اصلاً تصور نمی‌کردم اینقدر طولانی شود و محمد حسینی که وارد این سفر شد کجا و محمد حسینی که از آن سفر برگشت کجا! سال ۹۰ من یک پرسش داشتم؛ نسبت اندیشه‌های شهید مطهری با وضع موجود چیست و نظریه مطهری با وضع موجود چیست و نسل امروز چه مواجهه‌ای با آرای استاد مطهری پیدا می‌کند؟ دیدگاه‌های شهید مطهری چقدر نیازمند بازخوانی یا نگاه انتقادی است؟ پرسش‌هایی که بن‌مایه کتابی با عنوان «گفت‌وگو بی حجاب» به قلم محمد حسین مطهری، نوه شهید مطهری و فاطمه ناصری شد که اتفاقاً انتشار این اثر مصادف شد با رخدادهای شهرپرورانه سال گذشته بعد از فوت مهسا امینی که با توجه به شرایط این روزهای جامعه، خوانندگان این اثر پژوهشی خالی از لطف نیست.



از متفکران

برجسته‌ای

که پیرامون

مسأله حجاب

فلسفه‌ورزی

کرده، شهید

آیت‌الله

مرتضی

مطهری

است. او

وقتی «مسأله

حجاب»

را تدوین

می‌کرد گمان

نمی‌کرد که

نیم قرن بعد،

مورد پرسش

و ارزیابی

پژوهشگرانه

نوادش قرار

گیرد

نقد و نظر

افسانه رحمتی

۱. از متفکران برجسته‌ای که پیرامون مسأله حجاب فلسفه‌ورزی کرده، شهید آیت‌الله مرتضی مطهری است. او وقتی «مسأله حجاب» را تدوین می‌کرد گمان نمی‌کرد که نیم قرن بعد، مورد پرسش و ارزیابی پژوهشگرانه نوه‌اش قرار گیرد. امروز چه مواجهه‌ای با آرای استاد مطهری پیدا می‌کند؟ دیدگاه‌های شهید مطهری چقدر نیازمند بازخوانی یا نگاه انتقادی است؟ پرسش‌هایی که بن‌مایه کتابی با عنوان «گفت‌وگو بی حجاب» به قلم محمد حسین مطهری، نوه شهید مطهری و فاطمه ناصری شد که اتفاقاً انتشار این اثر مصادف شد با رخدادهای شهرپرورانه سال گذشته بعد از فوت مهسا امینی که با توجه به شرایط این روزهای جامعه، خوانندگان این اثر پژوهشی خالی از لطف نیست.